



روابط ایران و اتحادیه اروپا در دوره پسابرجام

یاسر نورعلی‌وند *

اشاره:

با اجرایی شدن برجام و به دنبال آن سفرهای متعدد مقام‌های اروپایی به ایران و همچنین سفر تاریخی رئیس‌جمهور کشورمان به ایتالیا و فرانسه فصل نوینی در روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا آغاز شده است. این نوشتار به دنبال بررسی آن است که نخست چه الزامی در توسعه روابط با اروپا در شرایط پسابرجام وجود دارد و دوم، این روابط در دو سطح اقتصادی و سیاسی - دیپلماتیک چه دستاوردها و نتایجی برای کشور و امنیت ملی آن به ارمغان خواهد آورد؟

مقدمه

روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا همواره با فراز و فرود و چالش‌های بسیاری همراه بوده است. یکی از آخرین و در واقع مهم‌ترین چالش‌های میان این دو، تنش پیش آمده در نتیجه برنامه هسته‌ای ایران بود که روابط فی‌مابین را به پایین‌ترین حد خود دست کم در یک دهه اخیر رساند. دولت یازدهم با اولویت دادن به حل پرونده هسته‌ای و برداشتن مانعی به نام تحریم‌های همه جانبه بین‌المللی، تنش‌زدایی و توسعه روابط خارجی به عنوان محوری‌ترین مسیر حل مشکلات اقتصادی و احیای منزلت بین‌المللی کشور را در دستور کار قرار داد. از این رو، حل پرونده هسته‌ای و شکل‌گیری فضای پسابرجام، شرایطی را به وجود آورده است که ایران و اتحادیه اروپا بر اساس نیازهای متقابل و نوین خود یکبار دیگر در جهت احیای روابط گام بردارند.

حجم بسیار بالای سفرهای مقامات دو طرف و سفر اخیر دکتر حسن روحانی به ایتالیا و فرانسه پس از توافق برجام و اجرایی شدن آن، حاکی از ضرورت و جدیت طرفین برای جبران هر چه سریع‌تر گذشته است. این نوشتار با نگاهی به ضرورت احیای روابط با اروپا در چارچوب سیاست توازن‌بخشی به سیاست خارجی، ضمن مرور کلی سفرها و دیدارهای صورت پذیرفته در ماه‌های پس از توافق جامع، به نتایج این سفرها و نیز ظرفیتها و چالش‌های موجود در روابط ایران و اتحادیه اروپا پرداخته است.

ضرورت توازن‌بخشی به سیاست خارجی در دوره پسابرجام

وضعیت کلی سیاست خارجی در زمان آغاز به کار دولت یازدهم، به گونه‌ای بود که به شدت ضرورت اتخاذ یک سیاست خارجی متعادل و توازن‌بخش در وجوه مختلف آن احساس می‌شد. در چنین وضعیتی، دولت آقای روحانی با درک این ضرورت و با محوریت قرار دادن اعتدال‌گرایی، توسعه‌گرایی و تعامل سازنده مبتنی بر شاخص‌هایی نظیر توازن میان آرمان و واقعیت، توازن و تعادل میان اهداف و ابزارها، توازن میان مصالح اسلامی و منافع ملی، برقراری



تعادل و توازن در مناسبات و روابط با کشورها و مناطق جغرافیایی به ترمیم سیاست خارجی کشور پرداخت.

و متوازن روابط خارجی تعریف می‌شود. بر این اساس ارتقاء امنیت، توسعه اقتصادی، معیشت ملی و تعمیق منزلت و جایگاه بین‌المللی ایران در گرو روابط همه‌جانبه و متوازن با مناطق و کشورهای مختلف جهان به ویژه مناطق دارای ظرفیت‌های بالای اقتصادی و سیاسی خواهد بود. اتحادیه اروپا و دولت‌های عضو آن با توجه به پیشینه روابط با ایران و نقش میانجی‌گرانه آن‌ها در روابط ایران-آمریکا نقش مهمی در این توازن‌بخشی ایفا می‌کنند که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

نقش و جایگاه توازن‌بخش اروپا در سیاست خارجی پسابرجام

اتحادیه اروپا و دولت‌های عضو آن به عنوان یک مجموعه ۲۸ عضوی با قابلیت اقتصادی بالا و توان دیپلماتیک تأثیرگذار به عنوان اهمی قابل‌اعتنا در نظام بین‌الملل می‌تواند نقش متوازن‌کننده‌ای در سیاست خارجی ایران در قبال ایالات متحده آمریکا، روسیه، چین و رقبای منطقه‌ای ایفا نماید. درک این وزنه متوازن‌کننده و بهره‌برداری مناسب از آن در تأمین منافع و امنیت ملی کشور از نقش ویژه‌ای برخوردار است. بهره‌گیری از نفوذ اقتصادی اتحادیه اروپا در اقتصاد و تجارت بین‌الملل، استفاده از قدرت سیاسی آن در حل و فصل بحران‌های بین‌المللی، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی این منطقه با توجه به نیازهای کشور، استفاده از تکنولوژی‌های جدید و دانش نوین اعضای اتحادیه در حوزه‌های گوناگون از جمله پتانسیل‌های توازن‌بخش آن برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برابر سایر بازیگران و رقبای بین‌المللی

دولت مسئله هسته‌ای و تحریم‌های وابسته به آن را مانعی مهم و جدی بر سر راه برنامه‌های توسعه‌ای خود در ابعاد داخلی و خارجی می‌داند که هر چه زودتر باید کنار زده می‌شود. در این چارچوب، اگرچه احقاق حقوق جمهوری اسلامی ایران در زمینه فناوری هسته‌ای، اصل محوری به شمار می‌آید، اما مسئله‌ای که اهمیت آن کمتر از مسئله نخست نبود، پیامدها و نتایج حاصل از حل پرونده هسته‌ای در قالب گشایش فضا برای امکان تحرک سیاست خارجی و ارتباط آزاد با جهان خارج به منظور توسعه و حل مشکلات اقتصادی و سیاسی کشور بود. بنابراین، حل پرونده هسته‌ای و اجرای برجام نهایتاً می‌باید این فضا را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار دهد تا به صورت متوازن و متعادل بتواند با همه کشورها و مناطق مختلف روابط خود را برقرار ساخته و توسعه دهد. استلزام منطقی خروج کشور از دوران تحریم، ایجاد امکان برای توازن‌بخشی در نگاه به مناطق جغرافیایی مختلف اعم از غرب، شرق، جنوب و شمال با هدف تعمیق منافع ملی کشور است. در این راستا، بر اساس برنامه وزارت امور خارجه (مرداد ۱۳۹۲)، «روابط سازنده و مؤثر بر اساس تعامل و گفتگو از جایگاه برابر، احترام و منافع متقابل، کاستن از خصومت‌ها و تنش‌زدایی و اعتمادسازی متقابل» در صدر اهداف عملیاتی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوره قرار دارد. اهمیت این مهم از آن روست که «دوران انزواجویی ارادی و داوطلبانه در روابط بین‌الملل سپری شده و عدم نقش‌آفرینی و یا غیاب در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نه یک امتیاز که نوعی نقطه ضعف و کاستی محسوب می‌شود». بنابراین، در سطح عملیاتی یکی از مهمترین شاخصه‌های تعامل‌گرایی، توسعه‌گرایی و اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی، برقراری تعادل و توازن در مناسبات و روابط با کشورها و مناطق جغرافیایی مختلف براساس تأثیر و وزن آنها در نظام بین‌الملل عنوان شده است. از این‌رو چون همه کشورها در نظام بین‌الملل از تأثیر و وزن یکسانی برخوردار نیستند؛ تعامل با آنها نیز در تأمین منافع ملی از ارزش و اهمیت برابری برخوردار نمی‌باشد. همچنین در سیاست خارجی اعتدال‌گرا، امنیت ملی به صورت همکاری جویانه، چندجانبه و مبتنی بر جایگزینی رویکرد «همکاری و رقابت» به جای «تقابل یا همکاری بی‌قید و شرط» و الگوی برد-برد به جای برد-باخت در چارچوب توسعه همه‌جانبه

پناهجویان و حملات تروریستی پاریس است. تلاش‌های این اتحادیه در همکاری با ترکیه و عربستان برای حل بحران سوریه و مبارزه با داعش نه تنها تاکنون به هیچ نتیجه مشخصی دست نیافته، بلکه گسیل پناهجویان از سوی ترکیه به اروپا به عنوان یک اهرم فشار و حمایت عربستان از گروه‌های تروریستی و تکفیرگرایان وهابی که عامل بسیاری از حملات تروریستی در اروپا هستند، مقامات و نخبگان اروپایی را بیش از گذشته به تعامل با ایران پسابرجام به عنوان یک جایگزین کارآمد امیدوار ساخته است. این در حالی است که نفوذ و توان بالای کنش‌گری ایران در منطقه خاورمیانه و نقش بی‌بدیل آن در حل بحران‌های این منطقه، بیش از گذشته اهمیت نقش متوازن‌کننده ایران در منطقه را برای این اتحادیه روشن ساخته است. بهره‌برداری ایران از این فرصت و تعامل و همکاری با اتحادیه اروپا در حل بحران‌های منطقه خاورمیانه که هر دوی آنها در حل و فصل و ثبات‌سازی آن ذینفع می‌باشند، مطلوب و خوشایند رقبای منطقه‌ای ایران از جمله ترکیه و عربستان نیست. از این رو، همکاری با اتحادیه اروپا به عنوان یک بازیگر جهانی صاحب نفوذ و منافع در این منطقه، نه تنها وزن و جایگاه ایران را در قبال رقبای منطقه‌ای خود بیش از گذشته افزایش می‌دهد، بلکه هم سرعت دستیابی به تفاهم در حل منازعات منطقه‌ای را بالا خواهد برد و هم زمینه را برای حل دیگر چالش‌های سیاسی فی مابین ایران و اتحادیه اروپا فراهم خواهد ساخت.

نکته مهم متوازن‌بخش دیگر اروپا برای سیاست خارجی ایران در تنظیم مجدد روابط آن با شرق خواهد بود. همانگونه که روابط ایران و غرب در دوره پسابرجام با از سرگیری مجدد، مواجه شده است، روابط با شرق نیز مطابق با شرایط و استلزامات نوین دوره پسابرجام نیازمند یک بازبینی مجدد است. واقعیت این است که اگر چه کشورهای روسیه و چین در دوران تحریم با حفظ روابط خود با ایران به اقتصاد تحریم‌شده ایران کمک کردند، اما در مقابل از فضای انحصاری ایجادشده ناشی از تحریم‌ها، با تعریف یک رابطه نابرابر و یکسویه بیشترین بهره اقتصادی و سیاسی را از آن خود ساختند. باز شدن پای کشورها و شرکت‌های بزرگ اروپایی به ایران و ایجاد فضای رقابتی، این پیام را به چین و روسیه خواهد داد که برای باقی ماندن در بازار اقتصاد و سیاست ایران، ضمن تعریف یک رابطه دوسویه مبتنی بر برآورده ساختن منافع متقابل حداکثری، می‌باید تلاش و تحرک بیشتر و دامنه‌دارتری را برای حضور باثبات

به شمار می‌آید. از این رو جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در صورت افزایش تعاملات دیپلماتیک و اقتصادی خود با اتحادیه اروپا از آن هم به عنوان وزنه تعادل در برابر فشارهای آمریکا و تعدیل رویکرد افراطی و اشنگتن نسبت به خود و هم به عنوان یک میانجی در مسائل فی مابین استفاده کند. تجربه نشان داده است که مواضع و دیدگاه‌های کشورهای اروپایی در قبال ایران در مقایسه با ایالات متحده آمریکا انعطاف بیشتری دارد. کشورهای اروپایی به طور عمده مقوله اقتصادی را در صدر اهداف خود در قبال ایران قرار داده‌اند و بیشتر از شیوه دیپلماتیک و مشروع درصد نیل به منافع و اهداف خود هستند. این در حالی است که نگاه سیاسی و خصمانه در ایالات متحده آمریکا در قبال ایران همواره یک اولویت بوده است. با وجود پیوندهای قوی موجود در روابط فراتلانتیک و اتحاد استراتژیک آنها در برخورد با مسائل جهانی، میان اولویت‌های این دو در قبال نوع رابطه با ایران همواره در دوره‌های مختلف تفاوت‌هایی وجود داشته است که چگونگی استفاده و بهره‌برداری از این اختلافات از سوی ایران، به سطح هوشمندی دیپلماسی کشور و همچنین کیفیت و سطح رابطه ما با اروپا بستگی داشته و دارد. بنابراین، درک تفاوت اروپا و آمریکا در مورد دغدغه‌های امنیتی و برداشتی که هر کدام از آنها از تهدیدات امنیتی دارند، در فضای پساتوافق برای سیاست متوازن‌بخشی ایران ضروری است.

اتحادیه اروپا یکی از مناطق ذینفع در حل بحران‌های خاورمیانه و ایجاد ثبات در این منطقه به ویژه پس از شکل‌گیری بحران

شدند، اما این برجام و توافق جامع هسته‌ای بود که موانع موجود را برای از سرگیری روابط کنار زد. به طوری که از ژوئیه ۲۰۱۵ (زمان انعقاد برجام) تاکنون قریب به بیش از دو سوم سفرهای مقامات و شرکت‌های خارجی به ایران را اروپاییان تشکیل داده‌اند که مهمترین آنها در جدول ذیل آمده است.

سفرها و دیدارهای مسئولان ایران و اروپا پس از توافق جامع هسته‌ای	
سفر گابریل زیگمار، معاون صدراعظم و وزیر انرژی آلمان	۲۸ تیر ۹۴
سفر فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا	۶ مرداد ۹۴
سفر لوران فابیوس، وزیر امور خارجه فرانسه	۷ مرداد ۹۴
سفر ایونسا داوچیچ، وزیر امور خارجه صربستان	۱۲ مرداد ۹۴
سفر پائولو جنتیلونی، وزیر امور خارجه ایتالیا به همراه وزیر اقتصاد	۱۳ مرداد ۹۴
سفر فیلیپ هاموند وزیر امور خارجه انگلیس	۱ شهریور ۹۴
سفر لوبو میراثورالک وزیر امور خارجه چک	۱۵ شهریور ۹۴
سفر خوزه مانوئل گارسیا مارگالو وزیر امور خارجه اسپانیا به همراه وزرای عمران، صنعت و گردشگری	۱۶ شهریور ۹۴
سفر هاینس فیشر رئیس جمهور اتریش	۱۷ شهریور ۹۴
سفر برت کوندرس وزیر امور خارجه هلند	۲۹ شهریور ۹۴
سفر هیات ۱۰۰ نفره تجاری لهستانی به همراه وزیر اقتصاد این کشور	۴ مهر ۹۴
سفر هیئت تجاری انگلستان به ریاست رئیس اتاق بازرگانی این کشور	۱۰ مهر ۹۴
سفر بوگدان بروسویچ رئیس مجلس سنای لهستان	۱۹ مهر ۹۴

و مطمئن در ایران از خود نشان دهند؛ چرا که در غیر این صورت عرصه را به رقیب تازه نفس و توانمند اروپایی خود واگذار خواهند کرد. بخش زیادی از انگیزه‌های سفر پوتین و رئیس جمهوری چین به ایران که با انعقاد یک توافقنامه استراتژیک ۲۵ ساله همراه بود را در همین چارچوب می‌باید ارزیابی کرد.

بنابراین، ورود عملی اروپا به عرصه سیاست خارجی ایران نه تنها دارای آورده اقتصادی و تجاری برای کشور خواهد بود، بلکه به یک موازنه مثبت در قبال همه این بازیگران خواهد انجامید. به هر حال موازنه میان غرب و شرق، گمشده سیاست خارجی ایران در دهه‌های اخیر بوده است. دولت یازدهم در چارچوب سیاست تعامل سازنده و توسعه متوازن در عرصه سیاست خارجی، با وارد ساختن مجدد اروپا به دایره روابط خارجی خود و همزمان حفظ همکاری و حتی ارتقاء روابط با شرق در دوره پسابرجام به دنبال روابطی بر پایه برابری و در چارچوب برد-برد با قریب به اکثریت کشورهای بزرگ دنیا است. خودتحریمی و حذف غرب و به ویژه اروپا از معادلات سیاست خارجی، تداوم همان فضای تحریم‌های دوران هسته‌ای است که ما را از حصول دستاوردهای توافق هسته‌ای و پسابرجام در عرصه سیاست خارجی باز خواهد داشت و نتایج مفید آن را برای ما به حداقل خواهد رساند.

احیای روابط ایران و اروپا در دوران پسابرجام

امنیتی شدن پرونده هسته‌ای بر تمام همکاری‌ها در حوزه‌های متفاوت همچون انرژی، امنیت خاورمیانه، گفت‌وگوهای حقوق بشری و همکاری‌های سیاسی و اقتصادی ایران و اروپا سایه افکند و در یک روند تدریجی تمام دستاوردهای دوران طلایی ماقبل آن را از میان برد. رویکرد تهاجمی دولت‌های نهم و دهم در برنامه هسته‌ای و عدم اعتقاد آن به غرب، سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال ایران را به تدریج به دیدگاه‌های آمریکا نزدیک‌تر ساخت تا اینکه به قول بسیاری از کارشناسان غربی صدور قطعنامه ۱۹۲۹ در ژوئن ۲۰۱۰ پایانی بر استقلال نسبی سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال ایران و همراهی تام و تمام اروپا با آمریکا در نحوه مواجهه با ایران بود. در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ همزمان با سیاست افزایش فشار همه‌جانبه آمریکا بر ایران، اروپایی‌ها نیز تحریم‌های متعددی را علیه ایران تصویب و اجرایی کردند. اگرچه ایران و اروپا از زمان روی کار آمدن دولت یازدهم به تدریج به هم نزدیک



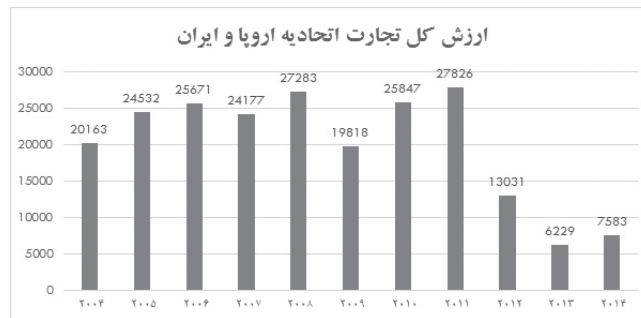
علاوه بر جدول فوق، از جمله سفرهای مهم پیش رو می توان به سفر احتمالی رئیس جمهور به اتریش تا تابستان سال آینده و سفر موگرینی به تهران در رأس هیئتی از اعضای کمیسیون اروپا برای مذاکره در خصوص روابط دوجانبه در بهار آینده اشاره کرد. به هر حال، این حجم از دیدار مقامات دو طرف در ظرف ۷ ماه گذشته، نشان از اهمیت روابط در دوره جدید و جدیت دو طرف برای استفاده از ظرفیت های سیاسی و اقتصادی همدیگر است که نویدبخش آغاز فصل نوینی از همکاری های ایران و اتحادیه اروپا است. به طور کلی، روابط دوجانبه، پرونده سوریه و بحران های منطقه خاورمیانه، همکاری پسابرجام و توسعه روابط اقتصادی و فرهنگی، سرفصل های مشترک تمام سفرهای مقامات اروپایی به ایران بوده است. از این رو، محورهای کلان این مذاکرات را می توان به دو حوزه اقتصادی و سیاسی - دیپلماتیک تقسیم کرد.

حوزه اقتصادی

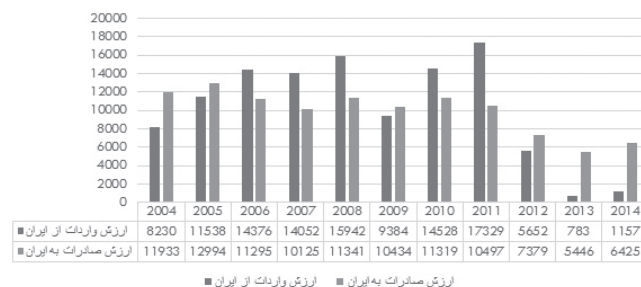
در مقاله ای که توسط فرانچسکو جیوملی (استاد دانشگاه گرونینگن هلند) و پل ایوان (تحلیلگر مرکز سیاست اروپایی) منتشر شده از مشکلات اقتصاد ایران مانند کاهش رشد اقتصادی، کاهش ارزش ریال و افزایش تورم به عنوان اثرات کلی تحریم ها یاد شده است. اقتصاد ایران برای رفع اثرات نامطلوب دوره تحریم، نیازمند گشودن درهای خود به سوی اقتصاد جهان، جذب سرمایه های بین المللی، بازسازی و تقویت زیرساختها بر اساس فناوری روز جهان است که اتحادیه اروپا و دولت های عضو آن از این پتانسیل ها به خوبی برخوردارند. ضمن اینکه زیرساخت های ایران بر مبنای فناوری اروپایی بنیان نهاده شده اند. در مقابل اتحادیه اروپا نیز پس از یک دوره بحران شدید اقتصادی، برای بهبود شاخص های اقتصادی خود و خروج کامل از بحران، به شدت نیازمند بازار بزرگی نظیر ایران است. بازاری که به سبب دور ماندن از فضای اقتصادی بین المللی به سبب تحریم ها، فضای کار و همکاری بسیاری را در اختیار آنها قرار می دهد. از این رو نیازهای متقابل در حوزه اقتصادی، می تواند به عنوان بستر مناسبی برای نزدیکی ایران و اتحادیه اروپا به شمار آید. روابط تجاری ایران و اروپا در دهه اخیر دو بار با افت شدید مواجه شده است. نخستین بار بحران مالی جهان باعث شد که میزان کالاهای صادر شده از ایران به اتحادیه اروپا از ۱۶ میلیارد یورو در سال ۲۰۰۸ به کمتر از ۱۰ میلیارد یورو در سال ۲۰۰۹ برسد. بهبود

سفر فرانک والتر اشتاین مایر، وزیر امور خارجه آلمان	۲۵ مهر ۹۴
سفر هلگا اشمید، معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا	۲۵ مهر ۹۴
سفر ماتی آنتونن معاون اقتصاد خارجی وزارت امور خارجه فنلاند در راس یک هیئت اقتصادی-تجاری	۴ آبان ۹۴
سفر مارتین شولتز رئیس پارلمان اتحادیه اروپا	۱۶ آبان ۹۴
سفر کنفدراسیون صنایع ایتالیا به همراه نمایندگان ۳۰۰ بنگاه اقتصادی ایتالیایی	۸ آذر ۹۴
سفر نیکوس کوتزیاس وزیر امور خارجه یونان	۸ آذر ۹۴
سفر ویکتور اوریان نخست وزیر مجارستان به همراه ۵ تن از وزرای کابینه و یک هیئت اقتصادی ۱۰۰ نفره	۹ آذر ۹۴
سفر دانیل میتف وزیر امور خارجه بلغارستان	۲۹ آذر ۹۴
سفر آقای روحانی به ایتالیا و فرانسه	۵ بهمن ۹۴
سفر فرانک والتر اشتاین مایر وزیر امور خارجه آلمان	۱۳ بهمن ۹۴
سفر وزیر امور خارجه به لندن	۱۵ بهمن ۹۴
سفر الکسیس سیراس، نخست وزیر یونان	۱۸ بهمن ۹۴
سفر هلگا اشمید معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا برای آغاز گفتگوهای سطح بالا	۱۹ بهمن ۹۴
سفر وزیر امور خارجه به مونیخ آلمان	۲۲ بهمن ۹۴
سفر وزیر امور خارجه به بروکسل به منظور دیدار با مقامات بلژیک و اتحادیه اروپا	۲۶ بهمن ۹۴
سفر مجید تخت روانچی معاون اروپا و آمریکا وزارت امور خارجه در راس یک هیئت اقتصادی تجاری به نروژ	۲۶ بهمن ۹۴

اقتصاد جهان در سال‌های پس از بحران به بهبود روابط تجاری دو منطقه انجامید تا جایی که بار دیگر در سال ۲۰۱۱ ارزش کالاهای صادر شده از ایران به اتحادیه اروپا از مرز ۱۶ میلیارد یورو گذشت و این بار پرونده هسته‌ای ایران بود که باعث شکل‌گیری تحریم‌ها علیه ایران و کاهش شدید روابط تجاری دو منطقه شد تا جایی که ارزش کالاهای صادر شده از ایران به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۲ به کمتر از ۶ میلیارد یورو رسید. نمودارهای زیر به خوبی نمایانگر وضعیت مبادلات تجاری ایران و اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر و ضرورت احیای آن به عنوان یک اولویت در روابط دوجانبه است (ارقام به میلیون یورو می‌باشند).



صادرات و واردات اتحادیه اروپا به | از ایران



یازدهم به همراه داشت. در این سفر و در جریان دیدارهای مقامات ایران و ایتالیا، ۱۴ سند همکاری در زمینه‌هایی چون انرژی، زیرساخت، فولاد، کشتی‌سازی، بازرگانی، همکاری‌های بندری، حفظ نباتات، پزشکی و دارویی امضا شد. حجم تفاهم‌های صورت گرفته معادل ۱۸ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار به صورت ۸ توافق بین‌دولتی و ۹ توافق بخش خصوصی با شرکت‌های ایتالیایی شامل سایم، فیکانتیری و آنسالدو انرژی است. ضمن اینکه توافقی با شرکت مخابرات ایتالیا و صنعتی گایو در دست بررسی است. همچنین شرکت فولاد دانیلی ایتالیا قراردادی به ارزش ۷,۵ میلیارد یورو و در حوزه زیرساخت هم یک شرکت دیگر ایتالیایی^۱ قراردادی به ارزش ۴ میلیارد دلار با ایران منعقد کردند. همچنین بزرگترین شرکت بیمه ایتالیا با عنوان ساچه، اعلام کرده است که یک خط اعتباری ۵ میلیارد یورویی را برای صادرات به مقصد ایران در نظر می‌گیرد که این امر به محض اتصال سوئیفت و برقراری روابط بانکی عملی می‌شود. گذشته از این، زمزمه‌هایی درباره بازگشت شرکت «انی» ایتالیا در برخی از طرح‌های توسعه‌ای صنعت نفت و گاز ایران همچون فاز سوم توسعه میدان نفتی دارخوین و اجرای یک فاز استاندارد در پارس جنوبی با ظرفیت تولید روزانه ۵۰ میلیون متر مکعب گاز کلید خورد. این در حالی است که روابط اقتصادی ایران و ایتالیا در اوج خود در سال ۲۰۱۱ به رقم بیش از ۷ میلیارد دلار رسیده بود، اما از سال ۲۰۱۲ به بعد تحریم‌های هسته‌ای سبب افت شدید مبادله‌های تجاری شد. در نتیجه حجم

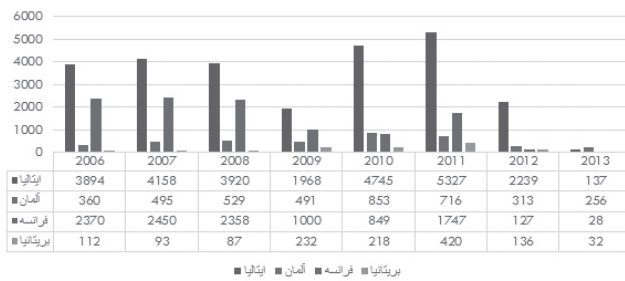
توافق ایران و شش قدرت جهانی بر سر پرونده هسته‌ای، روابط سیاسی و البته اقتصادی ایران و اروپا را وارد مرحله تازه‌ای کرد. نشانه‌های کاهش تحریم‌های اقتصادی در داده‌های مربوط به سال ۲۰۱۴ میلادی قابل مشاهده است و انتظار می‌رود با توجه به توافقی‌های انجام شده در سفرهای اخیر مقامات ایران و اروپا پس از برجام، این آمار در سال ۲۰۱۵ شیب صعودی تری به خود گیرد. در میان رفت و آمدهایی که تاکنون انجام گرفته، مهم‌ترین دیدار، سفر آقای روحانی رئیس‌جمهور کشورمان به ایتالیا و فرانسه بود که نتایج عملی قابل توجهی را برای سیاست خارجی دولت

1. Condotte d'Acqua

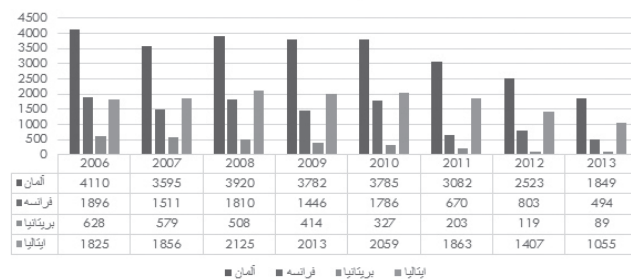
فرانسه نیز با امضای پروتکل همکاری با مقامات کشور، برای توسعه و بهره‌برداری از ایستگاه‌های قطار و گسترش خط آهن در ایران، وارد عمل خواهد شد. همچنین شرکت خط کانیتینر فرانسوی^۱ برای همکاری در زمینه کشتیرانی و توسعه پایانه‌های بندری توافق کرده است. علاوه بر این، شرکت سوئز که در زمینه محیط زیست فعالیت دارد، برای تصفیه آب و شرکت سانوفی برای محصولات پزشکی با ایران قرارداد امضا کرده است.

به طور کلی دو کشور ایتالیا و فرانسه به ترتیب از سال ۲۰۰۶ به این سو بیشترین حجم واردات را در مقایسه با آلمان و انگلیس از ایران داشته‌اند. همچنین از آن سال تاکنون ایتالیا و فرانسه بعد از آلمان بیشترین صادرات را به ایران انجام داده‌اند که البته در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ به کمترین میزان خود در یک دهه اخیر رسیده است. موضوعی که احیای آن در فضای پسابرجام و در چارچوب قراردادهای فوق از هدف‌های مهم دو طرف است. نمودارهای زیر به خوبی بیانگر حجم صادرات و واردات چهار کشور مهم اروپایی با ایران در یک دهه اخیر است (ارقام بر حسب میلیون یورو می‌باشد).

حجم واردات از ایران



حجم صادرات به ایران



مبادله‌ها از ۷ میلیارد دلار به حدود یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار کاهش یافت که می‌توان گفت قراردادهای فوق خیز مهمی برای جبران کاهش حجم مبادلات در سال‌های اخیر به شمار می‌آید.

در دیدار مقامات ایران و فرانسه نیز قراردادهایی به ارزش ۳۳ میلیارد دلار شامل توافق با شرکت‌های پژو سیتروئن، ایرباس و توتال به امضا رسید. پژو سیتروئن با ایران خودرو برای تولید سالانه ۲۰۰ هزار خودرو در ایران قرارداد امضا کرد و ارزش این قرارداد را که تحت آن نخستین خودرو در سال ۲۰۱۷ به تولید خواهد رسید، ۴۳۶ میلیون دلار اعلام کرد. با توجه به پیوند صنعت خودروسازی با دیگر بخش‌های اقتصادی کشور، این قراردادها می‌توانند به مثابه محرکی برای کل اقتصاد به حساب آیند. امضای قرارداد خرید ۱۱۸ فروند هواپیما از کمپانی ایرباس از دیگر قراردادهای تجاری بین ایران و فرانسه بود که ارزش این قرارداد، ۲۵ میلیارد ارزیابی شده است. نوسازی ناوگان هواپیمایی، پیش شرطی ضروری برای توسعه رشته فعالیت‌های مهمی همچون گردشگری به شمار می‌رود که در صورت فرصت‌یابی و مدیریت درست، در روند آتی تحولات توسعه کشور نقش مهمی ایفا خواهد کرد. شرکت نفتی توتال نیز از امضای قرارداد برای خرید نفت خام از ایران بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار بشکه در روز خبر داده است. این شرکت تفاهم‌نامه‌ای برای خرید نفت از ایران به ویژه برای پالایشگاه‌های فرانسوی و اروپایی امضا کرده است و همچنین قرار است به بررسی پتانسیل‌های صنعت نفت ایران برای ارزیابی حضور گسترده‌تر بپردازد. شرکت ملی راه آهن



بنابراین، اگر بهبود روابط سیاسی ایران و اروپا به شیوه فعلی ادامه یابد، آنگاه می‌توان انتظار داشت در آینده‌ای نه چندان دور سطح روابط اقتصادی و تجاری طرفین بار دیگر نه تنها به سطح گذشته بازگردد، بلکه با توجه به رقم قراردادهای جدید دوران بی‌سابقه‌ای از روابط آغاز شود.

اگر جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود یک اروپای مستقل از ایالات متحده آمریکا را ترجیح می‌دهد، بهترین و عملی‌ترین راه برای این مطلوب، سیاست درگیرسازی هر چه بیشتر اتحادیه اروپا در روابط دوجانبه اقتصادی و سیاسی با خود به منظور بالا بردن هزینه‌های ستیز و تنش احتمالی در روابط آتی برای طرف اروپایی است.

معتقدیم برای روابط پایدار، روابط باید همه‌جانبه و چندوجهی باشد. وی همچنین افزود: «ما به همه کشورهای غربی اعلام کرده‌ایم که قرار نیست ایران به بازار جدید صادرات شما و صرفاً به مصرف‌کننده تبدیل شود، بلکه ما یک شریک اقتصادی در چرخه تولید و توزیع شما خواهیم بود و با همین هدف و دیدگاه، کلیه قراردادها و یادداشت‌های تفاهم سفر اخیر رئیس‌جمهور به دو کشور ایتالیا و فرانسه منعقد شد». ظریف همچنین چند روز بعد و در جمع صاحبان و رؤسای ارشد مهم‌ترین بنگاه‌های صنعتی، تجاری، بانکی و اقتصادی اروپا به ویژه آلمان که در حاشیه اجلاس امنیتی مونیخ صحبت می‌کرد، یکبار دیگر بر این امر تأکید کرد که ایران در تنظیم روابط نوین تجاری، صنعتی و اقتصادی خود با اروپا، بازار مصرف نخواهد بود.

نکته قابل توجه دیگر اینکه بخش خصوصی در این موافقتنامه‌ها سهم ۳۰ درصدی را به خود اختصاص داده است که حاکی از سمت‌گیری و هدفگذاری درست اقتصادی دولت در روابط جدید است. به هر حال، آنچه به عنوان دستاوردهای اقتصادی این سفر برشمرده می‌شود، مجموعه‌ای از توافقی‌هایی است که تا حد زیادی به رونق بخش‌های مختلف اقتصاد کشور کمک خواهد کرد و می‌تواند چاره‌ای برای رکود تورمی باشد که گریبان اقتصاد کشور را گرفته است.

حوزه سیاسی - دیپلماتیک

شرایط امروز منطقه و جهان با وجود همه چالش‌ها، فرصت‌های مناسبی را برای همکاری ایران و اروپا در حوزه سیاسی

یکی از جهت‌گیری‌های مهم روابط در این دوره که آن را با دوره‌های قبل متمایز می‌سازد، توسعه روابط اقتصادی با اروپا با هدف توان‌بخشی به صنعت داخلی ایران و روابط تجاری هم‌تراز بین طرفین است و نه تبدیل ایران به بازاری برای فروش کالاهای اروپایی. این امر در فرصت‌های مختلف مورد توجه مقامات ارشد دولت قرار داشته است. بر این مبنا دکتر محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه در حاشیه نشست پسابرجام در وزارت کشور، در پاسخ به سؤالی در مورد برخی انتقادات در خصوص سفر رئیس‌جمهور به ایتالیا و فرانسه و قراردادهای اقتصادی منعقدشده در این سفرها با تأکید ضمنی بر ضرورت برقراری توازن در سیاست خارجی، با بیان اینکه «ما کسانی را که در دوران تحریم همراه ایران بودند، فراموش نمی‌کنیم و ارتباطات گسترده با روسیه و چین را حفظ و تقویت کرده‌ایم»، خاطر نشان کرد: «ما



در این چارچوب، در جریان سفرهای دکتر محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه کشور به لندن (اجلاس کمک کنندگان به سوریه) و مونیخ (چهارمین اجلاس حل بحران سوریه و همچنین پنجاه و دومین اجلاس امنیتی مونیخ) گفتگوهای مهمی در مورد روابط دوجانبه و چگونگی حل و فصل بحران‌های منطقه صورت پذیرفت. ضمن اینکه نباید از این نکته مهم گذشت که دعوت ایران به این دو نشست لندن و مونیخ خود گویای اعتقاد اروپاییان به نقش غیرقابل چشم‌پوشی ایران در حل مسائل امنیتی منطقه‌ای و جهانی بوده است. بنابراین، یکی از دستاوردهای مهم ایران در حوزه دیپلماتیک، تمایل کشورهای مختلف برای برقراری و توسعه روابط، اقرار به اهمیت نقش ایران در منطقه و حتی مسائل جهانی، ارتقاء منزلت بین‌المللی ایران و از میان رفتن فضای ایران‌هراسی در نظام بین‌الملل پس از برجام است. به عنوان مثال، دیدارهای متعدد ظریف با مقام‌های کشورهای مختلف به ویژه مقام‌های اروپایی از جمله برت کویندرز وزیر خارجه هلند، پاول کلیمکین وزیر خارجه اوکراین، بروت پاهور رئیس‌جمهور اسلونی، لازارکو مانسکو وزیر خارجه رومانی، جورج ایوانوف رئیس‌جمهور مقدونیه، ولادیمیر ماکی وزیر خارجه بلاروس و بورگه برنده وزیر امور خارجه نروژ در حاشیه اجلاس امنیتی مونیخ به خوبی گویای این مسئله است. از جمله نتایج و نقاط عطف مهم دیگر دوره جدید روابط ایران و اروپا، شروع دور مذاکرات موسوم به «گفتگوهای سطح بالا» است که در جریان سفر مرداد ماه فدریکا موگرینی به تهران پس از حصول برجام و در گفتگو با ظریف، دو طرف برای نخستین بار از آغاز این گفتگوها از آن سخن گفتند. گفتگوهای سطح بالا با هدف رفع اختلافات موجود در مبنای ایدئولوژیک و گفتمانی سیاست خارجی ایران و اروپا، برنامه‌ریزی شده است. گسترش همکاری‌های اقتصادی در قالب ایجاد یک توافقنامه آزاد تجاری، نزدیک کردن دیدگاه‌ها بر سر مسائل حقوق بشر و همکاری‌های سیاسی با ایران، برای ایجاد یک تعامل و تفاهم مشترک به عنوان مبنایی برای همکاری استراتژیک در آینده، مبنای این گفت‌وگوهای چارچوب‌مند است. همچنین موضوعات این گفتگوها مسائل متنوعی در زمینه روابط دوجانبه ایران و اتحادیه اروپا از جمله در زمینه انرژی،

و دیپلماتیک فراهم کرده است. بررسی سفرهای مقامات اروپا و ایران و مذاکرات صورت گرفته در آنها نشان می‌دهد که برای اروپا در دوره جدید احیای روابط با ایران، همکاری‌های سیاسی و دیپلماتیک به همان اندازه دارای اهمیت است که روابط اقتصادی و فرهنگی به طور سنتی همواره مهم بوده است. این مسئله ناشی از فضای بحرانی منطقه پیرامونی اتحادیه اروپا در حوزه دریای مدیترانه، خاورمیانه و شمال آفریقا است. اتحادیه اروپا دریافته است که حل بحران فراگیر پناهجویان و کنترل تحرکات تروریستی در اروپا در گرو ایجاد صلح و ثبات مجدد در منطقه خاورمیانه است که این مهم در شرایطی که آمریکا و ناتو در این منطقه منفعلانه عمل می‌کنند، بدون ابتکار خود اتحادیه اروپا و همکاری با ایران به عنوان قدرت صاحب نفوذ و تأثیرگذار منطقه، امکان موفقیت پایینی دارد. اگرچه جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در حوزه سیاسی و مسائل منطقه‌ای دارای اختلاف نظرهای متعددی در باب مسائلی نظیر تحولات عراق، سوریه، لبنان، یمن، مسئله فلسطین و تلاش اروپا برای نفوذ در منطقه خلیج فارس هستند که به این اختلافات باید نقش متغیرهای تأثیرگذار اسرائیل و آمریکا را نیز افزود، اما مسائل مشترکی نیز برای همکاری در زمینه‌هایی نظیر مبارزه با داعش، افراط‌گرایی و تروریسم تکفیری، مبارزه با مواد مخدر و همچنین امنیت انرژی و ایجاد ثبات سیاسی در منطقه دارند که می‌تواند برای شروع تعاملات دیپلماتیک و سیاسی مبنای قرار گیرد.

تجربه بیش از سه دهه روابط ایران با اروپا نشان می‌دهد که با برطرف کردن چالش‌های سیاسی قابل حل و همچنین جلوگیری از تأثیر اختلاف نظرهای سیاسی - گفتمانی بر روابط اقتصادی از طریق مذاکره و دیپلماسی، می‌توان شرایط را برای ایجاد رابطه‌ای با ثبات فراهم کرد. افزون بر آن، تفکیک مسائل سیاسی - ایدئولوژیک و اقتصادی از یکدیگر و به حداقل رساندن تأثیرپذیری حوزه اقتصادی از اختلاف نظرهای گفتمانی و ایدئولوژیک و در مقابل تسری توسعه روابط اقتصادی به بخش‌های سیاسی راهی است که ایران و مجموعه اتحادیه اروپا باید در مسیر توسعه روابط برای گسترش و تعمیق مناسبات خود و دستیابی به یک شراکت راهبردی در پیش گیرند.

تجارت، همکاری‌های مالی و بانکی، محیط زیست و مبارزه با مواد مخدر، مسائل انسان‌دوستانه و البته بحران‌های منطقه‌ای و چالش‌های حقوق بشری و ایجاد مبنایی برای همکاری‌های سیاسی بلندمدت است که اهمیت بسیاری در هدف‌گذاری برای یک شراکت راهبردی در آینده خواهد داشت.

زمان‌بندی آغاز و انجام این گفت‌وگوها که به ترتیب هر ۶ ماه یکبار و به صورت رفت و برگشتی در سطح وزرا و معاونان در تهران و بروکسل، خواهد بود، در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل نهایی شد و نخستین دور آن در سفر ۱۹ بهمن هلگا اشمید معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در سطح معاونان، در تهران برگزار شد. این گفتگوها در سطح وزرا با سفر محمدجواد ظریف به بروکسل در ۲۶ بهمن دنبال شده است که در جریان این سفر وی علاوه بر دیدار و گفتگو با موگرینی، دیدارهایی نیز با شارل میشل نخست‌وزیر بلژیک و ژان کلود یونکر رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا به منظور راه‌های تقویت مناسبات دوجانبه انجام داد.

نتیجه‌گیری

تأمین منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در دوران پسا برجام به بهترین شکل از راه توازن‌بخشی به سیاست خارجی و نگاه به همه مناطق جهان برآورده می‌شود. در این میان، اتحادیه اروپا به سبب توانمندی‌های اقتصادی و دیپلماتیک و همچنین پیشینه روابطش با کشورمان، مهم‌ترین بازیگر توازن‌بخش در محیط سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در شرایط جدید به حساب می‌آید. بی‌گمان اتحادیه اروپا زمانی می‌تواند به خوبی این نقش توازن‌گر را ایفا نماید که در قبال ایران به یک استقلال نسبی از ایالات متحده دست یابد. از سوی دیگر، اگر جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود یک اروپای مستقل از ایالات متحده آمریکا را ترجیح می‌دهد، بهترین و عملی‌ترین راه برای این مطلوب، سیاست درگیرسازی هر چه بیشتر اتحادیه اروپا در روابط دوجانبه اقتصادی و سیاسی با خود به منظور بالا بردن هزینه‌های ستیز و تنش احتمالی در روابط آتی برای طرف اروپایی است.

